

## وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

( بخش چهارم )

### اسامه کی بود ؟

اگر قرار باشد اندکی پیرامون زنده گینامه این مرد وهابی متعصب عربستان سعودی بدانیم، باید بگوییم که او در سال 1957م (1336 خورشیدی) در شهرک " الملز " از متعلقات ریاض پایتخت عربستان سعودی به دنیا آمد. پدر اسامه که اصلاً از حضرت الموت یمن است، در اوایل، در بندر تجارتی شهرجده شغل باربری داشت، اما به مرور زمان، در زمره بزرگترین سرمایه داران و نزدیک ترین فرد به آل سعود درآمد. گفته شد که اسامه در جمله پنجاه و چهار فرزند شیخ محمد بن عواد بن لادن (یمنی الاصل) بود. اسامه از دانشگاه " ملک عبدالعزیز " در سال 1979 میلادی از رشته اقتصاد و مدیریت دولتی فارغ التحصیل گردید.

وی برای نخستین بار در سال 1973م با عده یی از اعضای سازمان اخوان المسلمین و جماعت اسلامی مصر آشنا شد. در مراحل بعدی با محمد قطب یکی از رهبران اخوان المسلمین، عبدالله عظام استاد دانشگاه اسلامی و محمد عتوب یکی از نویسندگان عرب مسلمان و شخصیت هایی از " جماعت اسلامی " و " جماعت الجهاد " مصر نزدیکی اختیار نمود. اسامه وقتی برای نخستین بار، فقط دو هفته پس از تجاوز نیروهای شوروی وقت بخاک افغانستان، وارد خاک پاکستان گردید، از طرف برهان الدین ربانی رهبر جمعیت

اسلامی و عبدالرب رسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی استقبال شد و در واقع، مهمان آنها بود. اسامه در سال 1982 میلادی به همکاری و همیاری سر دسته های اخوانیت افغانستان و شبکه های استخباراتی امریکا و پاکستان وارد مناطق جنوب شرق این کشور شد و در وابسته گی نزدیک با سی.آی.ای، اقدام به سنگرسازی، اعمار بیمارستان های صحرایی، حفر تونلها و ایجاد پناهگاه ها در این مناطق نمود. وی در سال 1984 میلادی در شهر پشاور، مراکزی بنام های " بیت الانصار " ، " خانه شیر " و ... بخاطر جابجایی جنگجویان اعراب تند رو بنا نمود. پس از خروج نیروهای شوروی وقت از افغانستان، اسامه در سال 1990 م به زادگاهش ( عربستان سعودی) برگشت و یک سازمان " رفاهی " به منظور مساعدت به جنگجویان سابق سعودی الاصل بنام " عرب - افغان " تأسیس نمود. بروفق برخی آمار، در آن زمان به تعداد 4000 نفر این عربهای جنگ دیده ضد شوروی تنها در شهر های مکه و مدینه حضور داشتند. و اما، جنگ خلیج و استقرار نیرو های امریکایی در خاک عربستان سعودی و بی اعتنایی مقام های سعودی در برابر نظرات اسامه در قبال جنگ عراق، موجب آزردگی و اعتراض وی گردید و روابطش با مقام های آن کشور را برهم زد و او متعاقباً به کشور سودان رفت. در سال 1995 میلادی، یک کنفرانس بین المللی تحت عنوان " نهضت های اسلامی " در آنجا (در سودان) بر گزار گردید که در آن، علاوه از دکتر حسن ترابی رییس جمهور آن کشور، از گروه های تروریستی جهان و تنظیم های جهادی افغانستان، ( گلبدین حکمتیار امیر حزب اسلامی، سیاف امیر تنظیم اتحاد اسلامی، صبغت الله مجددی امیر تنظیم نجات ملی، برهان الدین ربانی امیر جمعیت اسلامی و حاجی قدیر رییس شورای جهادی ولایت ننگرهار) که از سالهای 1980 میلادی، یعنی از هنگام همکاریهای اسامه با سی آی ای ، مانند سایر رهبران جهادی، با وی آشنا یی داشتند، اشتراک نمودند. چون در آن سالها، ایالات متحده امریکا از مقام های حکومت سودان تقاضای اخراج اسامه از آن کشور را بعمل آورده بودند، هیأت افغانی موافقت کرد تا او با مجموع اعضای خانواده و همکاران نزدیکش (بیشتر از یکصد نفر و بقولی، سه صد نفر)، مهمان

آنان در افغانستان باشد. بنابراین، اسامه توسط دو بال طیاره بزرگ، اولاً به خاک پاکستان و باز به افغانستان سفر نموده در جلال آباد سکنا گزید. وی مدتی تحت حمایت حکومت اسلامی برهان الدین ربانی قرارگرفت تا بعداً گروه طالبان به امارت رسیده و برای اسامه تسهیلات گسترده تروهمه جانبه تر تروریستی درخاک افغانستان، بخصوص در شهرقندهار و جنوب افغانستان را فراهم کردند.

دلیل انتقال موقتی اسامه از جلال آباد به قندهار توسط طالبان را چنین تعریف کرده اند که گویا قرار بود اقدامات مخفیانه به منظور دستگیری وی توسط تیم خاص (سی.آی.ای) و جبهه افغانی ضد طالبان (جمعیت اسلامی و شورای نظار) صورت گیرد، ولی این موضوع توسط (آی.اس.آی) پاکستان کشف و به اطلاع اسامه و ملا عمر رسانیده شد. بنابراین، او را به قندهار مرکز اصلی امارت گروه طالبان انتقال دادند تا مصون تر بوده به فعالیت‌های تخریبی اش ادامه دهد.

قبل از آن، یعنی در سال 1980 میلادی، پس از تجاوز نظامی شوروی دیروز بالای افغانستان و خیزش مسلحانه مردم این کشور علیه نیرو های اشغالگر، همینکه ایالات متحده امریکا و جهان غرب تصمیم گرفتند بخاطر مقابله با شوروی " کمونیست "، در عقب جبهه جنگ (جهاد) مردم افغانستان قرار گرفته سیل پول و سلاح را در این زمینه بکار گیرند، شبکه جاسوسی رژیم وهابی عربستان سعودی، در اثر تقاضای سازمان جاسوسی امریکا (سی.آی.ای) و انتجنس سرویس بریتانیا، اسامه بن لادن را که مرتبط با " ترکی الفیصل " رییس استخبارات سعودی و دربار آل سعود بود، بحیث عضو رابط با تنظیم های مجاهدین افغان، روانه شهر پشاور نمودند. اسامه در سالهای اول ورودش به پاکستان، در یکنوع همسویی با عبدالله عظام فلسطینی که او هم مانند خود اسامه، سلفی تند رو و همکار سی.آی.ای بود، پول هنگفتی را از منابع و مؤسسات مختلف عربستان و شیخ نشین های خلیج جمع آوری نموده و در خدمت رهبران تنظیم های جهادی و (آی.اس.آی) پاکستان قرار میداد.

افراد و تشکلات آتی در آن سالها، در قسمت جمع آوری پول و اعزام عناصر جهادی برای اسامه به خاک پاکستان و افغانستان نقش داشتند :

\* شرکت ساختمانی محمد بن عواد بن لادن ( پدراسامه ) که کار توسعه اطراف حرمین را بعهده داشت.

\* دفتر اتحادیه جهانی اسلام به رهبری شیخ اوایل بن ابراهیم مقیم شهر مکه

\* سازمان جهانی امداد رسانی اسلامی مستقر در خاک عربستان سعودی

\* شیخ نشین های خلیج فارس

\* سازمانها و تشکیلات بین المللی اخوان المسلمین مصر

\* سازمان های استخباراتی ممالک عربی، بخصوص سازمان جاسوسی عربستان سعودی و ممالک غربی

\* افراد و شرکت های تجاری ، مساجد، مدارس و منابع ضد شوروی در سراسر جهان.

\* دولتهای امریکا، انگلستان، عربستان سعودی، مصر، چین ، پاکستان و . . .

نزدیکی و همکاری تنگاتنگ اسامه بن لادن با شبکه های استخباراتی امریکا، انگلستان، پاکستان و عربستان سعودی از یکسو و رهبران تنظیم های جهادی از سوی دیگر در طول سالهای جهاد مردم افغانستان ادامه داشت. چنانکه وی، اردوگاه های تروریستی متعددی را به همکاری شبکه های استخباراتی پاکستان، امریکا، عربستان، بریتانیا و رهبران مجاهدین در خاک افغانستان و نواحی مرز میان افغانستان و پاکستان ایجاد نمود که از آن جمله، میتوان از اردوگاه های بنام های " امیر معاویه " در کوههای توره بوره، " خالد بن ولید" در ارغنداب قندهار و " البدر" و " ژوری" درخواست نام برد. وقتی اسامه در سال 1998 م، اقدام به تأسیس سازمان جدیدی بنام " جبهه بین المللی اسلامی علیه یهودیان و جنگجویان مسیحی" نمود، شش حزب اسلامی تندرو مانند " القامه الاسلامیه مصر"، الجهاد اسلامی مصر"، حرکت الانصار کشمیر"، " جمعیت العلمای اسلام پاکستان"، جامعه الاسلامیه مصر"

و " سازمان جهاد اسلامی بنگلادیش" ارکان آنرا تشکیل میدادند، وبخصوص پس از آنکه وی بااستقرار نیروهای امریکایی درخاک عربستان سعودی (درآستانه جنگ خلیج) به مخالفت برخاست، سی. آی. ای در برابرین همکار دیرینه خویش تجدید نظر نمود.

اسامه، خود گفته بود: " سعودیها برای مقابله با روسهای کافر مرا به عنوان نماینده ی خود در افغانستان برگزیدند. من درپاکستان در ناحیه مرزی با افغانستان مستقرشدم. در آنجا از داوطلبانی استقبال میکردم که از سعودی و دیگرکشور های عربی و مسلمان می آمدند. اولین پایگاه آموزشی خود را در منطقه ای ایجاد کردم که در آن افسران پاکستانی و امریکایی داوطلبان را آموزش میدادند. تسلیحات مورد نیاز را امریکا و پول آنرا سعودی ها تأمین میکردند."



اسامه بن لادن

اسامه در دوران اقامتش درسودان نیز اقدام به سرمایه گذاری های بزرگ تجارتي نمود و درعین حال، مشغول دید وادید ها و تماسگیری های آشکار با رهبران و فعالین تشکلات تروریستی عربی و عجمی شد تا آنکه از خاک سودان نیز اخراج و به قلمرو افغانستان مستقر گردید.

قبل از آنکه برگردیم به اصل موضوع رویداد های نظامی درافغانستان، متذکر میشویم که نقش وسهم رژیم وهابی عربستان سعودی درقبال حادثه خونین نیویارک و نیز، تقویت و

حمایت مالی و سیاسی از اسامه بن لادن بسیار مؤثر بود و این چیزی بود که مقام های ایالات متحده آمریکا بدان آگاهی کامل داشتند. " ذکر یا موسوی " یکی از اعضای مهم سازمان تروریستی القاعده که در ارتباط با حملات یازدهم سپتمبر 2001 در آمریکا دستگیر و زندان شد، طی تحقیقات مفصل که از او صورت گرفت، به نکات مهمی در این زمینه اشاره نمود. خبرگزاری بی بی سی در ماه فبروری سال 2015 میلادی از قول منابع آگاه امریکایی، گوشه هایی از اعترافات و افشاگریهای " موسوی " را چنین به نشر رسانید: " بعضی از اعضای آل سعود به تأمین بودجه آن حملات {یازدهم سپتمبر 2001} کمک کرده بودند... مقام های خیلی معروف سعودی از جمله شاهزاده ترکی الفیصل رییس سابق سازمان اطلاعات از اواخر دهه 1990 به القاعده کمک مالی می دادند... خانواده های قربانیان 11 سپتمبر ادعا میکنند که حکومت عربستان سعودی و یک مؤسسه خیریه وابسته به آن، آگاهانه کمکهای مالی و غیرمالی در اختیار القاعده گذاشتند که به حملات آن در خاک آمریکا کمک کرد... "

روزنامه نیویارک تایمز در هفته اول ماه اپریل 2015م از قول " باب گراهام " سناتور ایالت فلوریدا و رییس سابق کمیته روابط خارجی سنای آمریکا نوشت: " بین حادثه 11 سپتمبر 2001 و عربستان سعودی رابطه نزدیکی وجود دارد... عربستان سعودی در حمله 11 سپتمبر نقش داشته است... " وی اضافه کرد که " یک مقام ارشد پولیس فدرال آمریکا (اف بی آی) به وی هشدار داده او را از ادامه تحقیقات، بازداشته است. " ولی وی تأکید کرد که " در محکمه پیگیری حادثه 11 سپتمبر، اسنادی مبنی بر حمایت دولت عربستان سعودی از تروریستها وجود داشته است. "

به منظور آنکه باز هم اصل موضوع را دنبال کرده باشیم، باید گفت که هفته اول ماه اکتوبر سال 2001 میلادی، آستان حوادث خونبارتری در افغانستان بود و همه چیز میرفت که دگر گونه شود. یک هیأت عالیرتبه امریکایی در همین هفته نزد محمد ظاهر شاه در شهر روم رفت تا ضمن تدویر جلساتی، روی تشکیل یک حکومت " فراگیر " در افغانستان تبادل نظر نمایند. یعنی مقام های امریکایی، حین زمینه سازی غرض براه انداختن عملیات نظامی

د افغانستان، در همسویی با سازمان ملل، در صدد دعوت از نماینده گان " جبهه متحد" یا " ائتلاف شمال"، جناح محمد ظاهر شاه و دو گروه دیگر ( گروه قبرس به ریاست همایون جریر از حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و گروه پشاور شامل سید حامد گیلانی و رهبران قبایل مورد حمایت حکومت پاکستان) برآمدند تا با گرد همایی و تدویر یک کنفرانس وسیعتر، روی تأسیس دولت آینده افغانستان و چگونه گی مکانیسم آن (از نظر قومی و تنظیمی) به بحث پردازند. البته، مقام های امریکایی از سالهای 1990 میلادی بدینسو، با محمد ظاهر شاه در روم به اشکال مختلف در تماس بودند.

" الاخضر ابراهیمی" نماینده فوق العاده کوفی عنان سرمنشی سازمان ملل در امور افغانستان نیز داخل فعالیتهای دیپلماتیک و میانجیگرانه شده سفر هایی به کابل، ماسکو، تهران، دهلی، روم و جا های دیگر انجام داد.

موازی بدان، " ملاضعیف" سفیر گروه طالبان در اسلام آباد اظهار داشت که " طالبان حاضران هشت تن خارجی هایی را که قبلاً به اتهام تبلیغ و ترویج عیسویت دستگیر نموده و دو نفر امریکایی نیز در آن جمله میباشند، رها کنند، مشروط به آنکه امریکا از عملیات نظامی بالای طالبان خودداری نماید"، ولی جورج بوش گفت: " به هیچ صورت حاضر به معامله نیست. یا اسامه را به ما تحویل دهند و یا منتظر مجازات باشند"

عاقبت، مقام های نظامی ایالات متحده امریکا پس از بیست و هفت روزیکه از حادثه خونین یازدهم سپتامبر سپری شده بود، یعنی در پایان تلاش و تمهید همه جانبه سیاسی، تبلیغاتی، اطلاعاتی و بین المللی، عملیات نظامی علیه افغانستان را آغاز نمودند.

(ادامه دارد)